

دوفصلنامه علمی «پژوهش سیاست نظری»

شماره سی و دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱: ۲۱-۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

کاربست تاریخ مفهومی در فهم اندیشه و کنش سیاسی

* حسین شریف‌آرا

** مرتضی بحرانی

*** سید خدایار مرتضوی‌الاصل

**** فرید خاتمی

چکیده

تاریخ مفهومی، رویکردی نظری برای رسیدن به فهمی نوین از اندیشه و کنش سیاسی در گذر زمان و در بستر تحولات سیاسی-اجتماعی است. در این رویکرد، مفاهیم ریشه در تحولات اجتماعی دارند؛ به گونه‌ای که با تغییر و تحول در جامعه و حوزه کنش، مفاهیم نیز از نظر معنا و کارکرد دچار تغییر می‌شوند. پرسش این نوشتار، چگونگی فهم و تفسیر نسبت کنش و نظر سیاسی است و اینکه آیا رویکرد تاریخ مفهومی می‌تواند این نسبت را به نحوی توضیح دهد که پژوهشگر علاوه بر کشف این مهم، به مسئولیت خود برای ساختن جامعه و جهان بهتر نیز بپردازد. فرض ما این است که تاریخ مفهومی می‌تواند تفسیری مناسب از نحوه بودن امور و تجربیات تاریخی را ارائه دهد و افق آینده را برای مداخله در امور اجتماعی بازگذارد، به نحوی که قلمرو کنش پژوهشگر در مقام نظریه‌پرداز کنشگر نیز مشخص شود. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی به معرفی این رویکرد می‌پردازد. تلاش ما این است که شرایط امکان ارائه درکی مفهومی از پدیده‌های سیاسی در بستر فهمی مدرن را شرح دهیم.

واژه‌های کلیدی: تاریخ مفهومی، اندیشه سیاسی، کنش سیاسی، تحولات اجتماعی، روش.

*دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
hossein_sharifara@yahoo.com

**نویسنده مسئول: دانشیار گروه مطالعات آینده‌نگر، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ایران
Mortezabahrani@yahoo.com

***استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Kh_mortazavi@azad.ac.ir

****استاد مدعو گروه علوم سیاسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
farid.khatami2@gmail.com



مقدمه

می‌توان از سنت‌های پژوهشی و تعلیمی متعددی برای نگرستن و تفسیر امر واقع (روابط تن، جامعه و جهان) نام برد؛ از فلسفه ذهن و جامعه‌شناسی معرفت گرفته تا پارادایم پژوهی و تحلیل گفتمان و تاریخ فکری و تاریخ علمی (یا تاریخ دانش) و نظریه سیستم‌ها و تاریخ ایده‌ها. مسئله این سنت‌های پژوهشی، تبیین و تفسیر نسبت ذهن‌ها و عین‌ها با هم و بر هم است. اینکه نخست چگونه عین و ذهن بر هم تأثیر و تأثر دارند و کدام یک مقدم و دیگری تالی است و دوم اینکه رابطه خود دو امر عینی و نیز رابطه اذهان با هم چگونه است؛ مهم‌تر اینکه چگونه می‌توان جهان را به گونه‌ای واحد دید که از تکرر و انشقاق جهان، تضاد اجتماعی دامن نگستراند. برای ما در اینجا از میان همه امور ذهنی و عینی و نسبت آنها با یکدیگر، مسئله بسیار مهم، نسبت نظروری و کنشگری سیاسی است. پرسش مشخص این است که چگونه می‌توان نسبت کنش و نظر سیاسی را فهم و تفسیر کرد؟ آیا رویکرد و چارچوبی وجود دارد که علاوه بر توضیح این نسبت، به پژوهشگر این امکان را نیز بدهد که به مسئولیت خود برای ساختن جامعه و جهان بهتر نیز جامه عمل بیوشاند؟

به نظر می‌رسد که از میان رویکردهای پیش‌گفته که هر کدام به سنتی تبدیل شده‌اند، تاریخ مفهومی^۱، این ویژگی را دارد که بر پایه یافته‌های فلسفه زبان و زبان‌شناسی و مساهمت‌های پدیدارشناسانه، که در آن فاصله‌ای میان عین و ذهن نمی‌بیند و جهان را یکپارچه تصور می‌کند، بتواند مناسب‌ترین تفسیر از نحوه بودن امور را ارائه دهد؛ تفسیری که در آن خود پژوهشگر نیز درگیر امور جهان شود.

تاریخ مفهومی هم یک رویکرد نظری است، یعنی افق باز آینده را نشان می‌دهد و هم امکان فهم و تفسیر امور و مداخله در آنها را فراهم می‌آورد؛ و هم یک چارچوب روشی، یعنی اینکه فنونی را به پژوهشگر می‌دهد که ضمن تجهیز او، حدود و قلمرو کنش او را نیز تعیین می‌کند. تاریخ مفهومی، پژوهشگر را در مقام نظروریز کنشگر در جای خود قرار می‌دهد. او هر حرفی برای گفتن ندارد. پژوهشگر تاریخ مفهومی حد خود، یعنی تقسیم کار خود را می‌شناسد. بخشی از مسئولیت چنین کسی آن است که

در جای خود بایستد و جای دیگران را نیز مشخص کند. این مهم‌ترین چالش یا پارادوکس تاریخ مفهومی است که باید در چارچوب باشد و رویکردش را دنبال کند. از این نظر، برداشت و تبیین ما از تاریخ مفهومی، برداشتی مدرن است؛ بدین معنا که ما از پیوستگی عینیت و ذهنیت سخن می‌گوییم و در این پیوستگی (برخلاف رویکرد پست‌مدرنیستی)، اولویت را به زبان نمی‌دهیم. اولویت بخشیدن به زبان و زبانی دیدن ساختارهای اجتماعی، ما را از عمل به مسئولیت اجتماعی خود در ساختن جامعه و جهان بهتر باز می‌دارد.

جایگاه تاریخی و مفهومی تاریخ مفهومی

برای سخن گفتن و دریافت درست از تاریخ مفهومی، ابتدا باید جای آن را پدیدار کرد. این رویکرد از جایگاه و مفهومی خاص در سنت‌های پژوهشی برخوردار است و به تغییر پارادایمی مفاهیم سیاسی - اجتماعی اشاره دارد. پارادایمی که راینهارت کوزلک آن را با تز معروف زمان صندلی^۲ که انقلابی در درک و کاربرد مفاهیم است، شناسایی کرد و به زمان‌های تاریخی ربط داد.

تاریخ مفهومی «تاریخ مفهومی»

تاریخ مفهومی در اساس به مثابه رویکردی برای مطالعه مفاهیم کلیدی مدرن سیاسی - اجتماعی «در اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه شصت در آلمان غربی مطرح شد و در یک نگاه کلی به عنوان بخشی از چرخش زبانی^۳ بود که با احتیاط خاص، تفسیر می‌شد. این نکته‌ای مهم و قابل تأکید است؛ زیرا معناشناسی تاریخی، تحلیل گفتمان، زمینه‌گرایی و مانند اینها علی‌رغم موضوع مورد مطالعه و فلسفه‌های زبانی متفاوت و اهداف و فرضیه‌های ارزشی متفاوتشان، همه به همراه تاریخ مفهومی به کار می‌روند» (Muller, 2011: 77). هدف تاریخ مفهومی، فهم تاریخ از بستر مفاهیم و به عنوان یک مقدمه، فهم مفاهیم و چگونگی شکل‌گیری و تحول آنها در میدان‌های معنایی‌شان برای ورود و نفوذ در

1. Reinhart Koselleck

2. Sattlezeit

3. Linguistic turn

آینده است. تاریخ مفهومی، «رویکردی به مطالعه تاریخ است که از تحلیل زبان به قصد مطالعه اوضاع اجتماعی و روابط اجتماعی گذشته استفاده می‌کند» (هسینگ، ۱۳۹۵: ۱).

راینهارت کوزلک (۲۰۰۶-۱۹۲۳) با اتکا به تمایز همزمانی و درزمانی^۱ سوسور به بررسی رابطه میان ساختار ثابت زبان در یک نقطه زمانی و تغییرات آن در لایه‌های زمانی متعدد پرداخت. او به سنت فلسفه آلمانی تعلق دارد و تحت تأثیر سنت فلسفه قاره‌ای و تاریخ‌گرایی است. وی با طرح دو مفهوم مجزا از تاریخ^۲، یکی به معنای دانش و علم تاریخ و دیگری در وجه هستی‌شناختی آن، موضوع تاریخ را از این نظر که «تاریخ هم عبارت است از چیزی که اتفاق می‌افتد و هم تصویری که از آن در ذهن می‌سازیم» (عبداللهی، ۱۳۹۰: ۵۵). مورد کاوش قرار داد. او از سنت فلسفه آلمانی و از اندیشمندانی چون هگل^۳، کانت^۴، هایدگر^۵ و گادامر^۶ بهره برده است؛ هرچند دارای دیدگاه مستقل و منحصر به فرد خود است. او «موضع خود را نه مارکسی می‌داند که صرفاً هستی را تعیین‌کننده زبان و آگاهی بداند و نه همانند گادامر، هستی را به زبان کاهش می‌دهد؛ آنگونه که زبان‌گرایان و تفسیرگرایان امروز زبان را خانه هستی آدمی می‌دانند. او زبان را از قلمروی تجربه جدا نمی‌داند، اما معتقد است قلمروی تجربه با زبان، رابطه دیالکتیکی دارد و به همین خاطر ما با تاریخت انسان مواجه‌ایم» (آغاجری، ۱۳۹۳: ۱).

با وجود اهمیتی که کوزلک برای زبان قائل می‌شود، سعی در تقلیل تاریخ انسان به زبان ندارد. تأکید او همواره بر ارتباط زبان و تجربه است. از این جایگاه فکری، او هر تغییر در مفاهیم سیاسی را به تجربه‌ای تازه پیوند می‌دهد که در بردارنده افقی از انتظارات به سوی آینده است. نزد او «بدون فضای تجربه^۷ و افق انتظار^۸، رابطه زمان-فضا و بدین سبب تاریخ وجود نخواهد داشت» (آندرسن، ۱۳۹۴: ۲). بر همین سیاق، در دیدگاه او، انسان با افق انتظار رو به سوی آینده دارد و هرچه این افق انتظار پیش‌روتر

1. synchronic and diachronic

2. geschichte

3. Hegel

4. Kant

5. Heidegger

6. Gadamer

7. space of experience

8. horizon of expectation

باشد، تاریخ شتاب بیشتری به خود گرفته، انسان به جای تکرار گذشته و ماندن در حال، هرچه بیشتر از آینده و تغییرات پیش‌رو می‌آموزد.

جایگاه متمایز تاریخ مفهومی

تاریخ مفهومی با تاریخ فکری^۱ که «به بررسی وضعیت اندیشه، فعل و انفعالات و داد و ستدهای آثار و افکار مربوط به دوره معینی از تاریخ پرداخته می‌شود» (منوچهری، ۱۳۹۰: ۲۲۱) و نیز با تاریخ اندیشه‌ها^۲ که «سیر اندیشه در تاریخ است» (همان) و نظام‌های اندیشه‌ای را به واحد ایده‌ای تقلیل داده، به بررسی آنها در حوزه‌ها و ادوار مختلف می‌پردازد، متفاوت است. تاریخ مفهومی همچنین با تاریخ فلسفه^۳ که بیانگر دیدگاه‌ها و مکاتب فلسفی و جست‌وجو درباره ارتباط متقابل آنهاست نیز متفاوت می‌باشد. تاریخ مفهومی با چیزی به نام دیرینه‌شناسی نیز متفاوت است. در دیرینه‌شناسی، هدف پژوهشگر، «کشف الگوهای منظم و سامان‌بخش تفکر است و بر فرض وجود قواعدی ناخودآگاه مبتنی است که بر نظام‌های اندیشندگی حاکم هستند» (ر.ک: فوکو، ۱۳۹۲ الف و ب). دیرینه‌شناسی، تفکر را به سمت اصل پست‌مدرنیستی اهمیت زبان سوق می‌دهد؛ در حالی که در تاریخ مفهومی، هدف یافتن حلقه‌های نظر و کنش است. تاریخ مفهومی همچنین با جامعه‌شناسی معرفت که «تحلیل منابع و معانی اشکال معرفت در پیوند با تجربه، نهادها، سنت‌ها، کنش‌ها و موقعیت‌های گروه‌های اجتماعی و افراد آن است» (Goldman, 1994: 266)، متفاوت است. در تاریخ مفهومی، تحول مفهوم نه‌تنها در رجوع مداوم به تاریخ اجتماعی، بلکه در پیوند با بستر زمان و شرایط اجتماعی - سیاسی آن صورت می‌پذیرد.

تاریخ مفهومی، رویکردی به مطالعه تاریخ و تحولات تاریخی است که به لحاظ روش از مفاهیم آغاز می‌کند و فراتر از بررسی تاریخ واژگان به تاریخ مفاهیم می‌پردازد تا معنای مفاهیم را از پس لایه‌های انباشته‌شده زمانی آشکار کند. «تاریخ مفهومی در روش‌شناسی بر مفاهیم بنیادی تأکید دارد» (Koselleck, 2002: 6) که شیوه تاریخی بودن در جهان را نشان می‌دهد. در این روش‌شناسی، مفاهیم خارج از زمینه کاربرد و به مثابه

1. intellectual history
2. history of thoughts
3. history of philosophy

واحدهای مطالعاتی در حال تغییر بررسی می‌شوند. در این حالت، مفاهیم هر یک از تاریخ داخلی و زمان‌بندی خاص خود برخوردار هستند که لازم است آنها را در زمینه‌های وسیع‌تر در قالب افق انتظارات و فضای تجربه مطالعه کرد.

تاریخ مفهومی به مثابه نظریه، نگاهی زمانمند به روند تاریخی دارد و «تنها تاریخ مفاهیم نیست، بلکه تاریخ روابط مفاهیم، واژه‌ها و مناسبات عینی است. در این سطح، کوزلک تاریخ خارجی^۱ را مشمول تاریخ مفهومی کرده، تاریخ داخلی^۲ را به آن پیوند می‌می‌زند» (Palonen, 1997: 11). در این حالت، تاریخ خارجی مفاهیم در رابطه‌ای دوسویه با تاریخ داخلی مفاهیم قرار می‌گیرد و شاهد سه تغییر مفهومی^۳، با عناوین «تغییرات معناشناسی^۴ معنی در تفسیر مفهوم، تغییرات لفظ‌شناسانه^۵ نام‌گذاری در واژه مرتبط با مفهوم و تغییرات ارجاعی^۶ در روابط مفهوم با عینیت پدیده» (Palonen, 1997: 13) هستیم.

بنابراین «تاریخ مفهومی»، نظریه و روشی نسبتاً جدید و متأثر از سنت فلسفه قاره‌ای و تاریخ‌گرایی نوین است. این نظریه و روش با نقد تاریخ‌نگاری^۷ سنتی و تمرکز بر رویکردی نو در تاریخ‌نگاری مفاهیم، قصد دارد تا با اتخاذ رویکردی انتقادی، متفاوت و فراتر از گذشته‌نگاری، به «نقد زبان برای بازنمودن لایه‌های ایدئولوژیک مفهوم‌های آن» (نیکفر، ۱۳۸۸: ۱۴) پردازد تا از این رهگذر، فهمی نو و متناسب با امر واقع در سامان سیاسی-اجتماعی خاص و مطابق با شرایط زمانی و مکانی موضوعات سیاسی اجتماع حاصل شود.

تاریخ مفهومی، رویکردی است که در مسیرش برای بررسی لایه‌های معنایی مفاهیم از تاریخ اجتماعی آغاز می‌کند، ولی با دریافت خاص خود از نقش و اهمیت زبان و تأکید ویژه بر آن، به کشف مهمی در دل این سنت دست می‌یابد. در تاریخ مفهومی، «زبان مقید به تاریخ است و تاریخ مقید به زبان و مطالعه هر کدام از آنها بدون توجه به دیگری به بیراهه می‌رود» (حسن‌دخت فیروز و دیگران، ۱۳۹۹: ۸۳). این رویکرد، «پویایی، شکاف‌های

-
1. external history
 2. internal history
 3. conceptual change
 4. semasiological changes
 5. onomasiological changes
 6. referential changes
 7. historiography

درونی، زوال، تغییر، تولید و تکثیر مفهوم‌ها را بازمی‌کند، تلاطم معناها را به نمایش می‌گذارد و به خلاص شدن از دست تاریخ کمک می‌کند» (نیکفر، ۱۳۸۸: ۲۲). در این رویکرد، پژوهشگر برای کشف لایه‌های تازه معنایی، مفاهیم زبان گذشتگان را می‌کاود. مفاهیمی چون «تاریخ» و «گذشتگان» در اینجا مفاهیمی است که بر واقعیت دلالت دارند. هدف تاریخ مفهومی، «روایت» تاریخ و مفاهیم برآمده از آن نیست؛ بلکه کاویدن واقعیت تاریخ است، آنچنان که در مفاهیم پدیدار شده است.

واقعیت‌مندی رویکرد تاریخ مفهومی، خود را در مفاهیمی پدیدار می‌کند که صرفاً روایتگر تاریخ انتزاعی نیستند. مفاهیم پایه^۱، پادمفهوم‌ها^۲، مفهوم حامل زمان، ابرمفهوم، مفهوم تاریخی، مفهوم بنیادی، مفهوم سنتی و مفهوم پویا و همچنین مقوله‌هایی مانند تعامل زبان و زمان، تمایز مفهوم و کلمه، تقابل مفهوم و پادمفهوم، تداوم و گسست، زمانمندی، تاریخیت، همزمانی ناهمزمان‌ها، لایه‌های زمانی، رسوبات زمان، میدان‌های معنایی^۳، فضای تجربه، افق انتظار، شرایط پیش‌ازمانی، منظومه‌های درون/بیرون^۴، بالا/پایین^۵، قبل/بعد^۶، تاریخ‌های ممکن و ساختارهای تکرار شونده، از جمله مفاهیم انضمامی رویکرد تاریخ مفهومی هستند. کوزلک در حیات علمی خود همواره بر تکوین این مفاهیم در تاریخ‌نویسی و طرح نظام‌های مقوله‌ای و مفهومی در تاریخ تأکید داشته است.

این نوشتار با هدف دستیابی به فهم و تفسیر نسبت میان کنش و نظر سیاسی و نحوه توضیح آن و همچنین رسیدن به دریافت نوینی از مفاهیم اندیشه سیاسی و چگونگی شکل‌گیری و تحول آنها در میدان‌های معنایی‌شان برای ورود و نفوذ در آینده، به معرفی این مقوله‌ها و مفهوم‌ها در تاریخ مفهومی می‌پردازد. ما در ادامه با تمرکز بر مساهمت خاص راینهارت کوزلک تلاش می‌کنیم تا بر دو جنبه رویکردی و چارچوبی (نظری و روشی) تاریخ مفهومی تمرکز کنیم و متناسب با وضعیت خودمان، مساهمتی در تبیین این نظریه و روش داشته باشیم.

1. basic concepts
2. counter concepts
3. semantic fields
4. inside/outside
5. up/down
6. before/after

پیوند مفاهیم با مناسبات

نخستین وجه اهمیت تاریخ مفهومی، پیش فرض درهم تنیدگی عین و ذهن یا اندیشه و نظر است. تاریخ مفهومی از همین جهت است که اهمیت پدیدارشناختی خود را پدیدار می‌کند. مفاهیم در تاریخ مفهومی در مقام محصولات نظری و ذهنی و زبانی، در پیوند تمام با مناسبات در مقام محصولات عینی و کنشی و تعاملی قابل بررسی هستند. آنها به عنوان اجزای سازنده و بنیادین اندیشه‌ها و باورها، ایده‌های انتزاعی یا تصورات کلی هستند که در ذهن و گفتار یا در اندیشه رخ می‌دهند و در همه جنبه‌های شناخت از نقشی مهم برخوردارند. مفهوم دارای مادیت است. از این جهت است که شناخت دیگر صرفاً امری انتزاعی و گسسته از واقعیت نمی‌تواند باشد.

مفاهیم را می‌توان در سطوح اصلی، میانی و تابع تقسیم‌بندی کرد. تفکر ما در باب اشیای پیرامون زمانی آغاز می‌شود که آنها را به مفهوم درمی‌آوریم. همه ابعاد معنایی یک مفهوم در زمینه‌های در زمانی و هم‌زمانی آنها ریشه دارد. با مفهومی شدن یک شیء، آن شیء در شبکه‌ای از ایده‌ها قرار می‌گیرد. تجربه‌ها و مناسبات در زندگی روزمره در قالب مفاهیم صورت‌بندی می‌شوند. به هر عملی که دست می‌زنیم، به گونه‌ای خودکار برخوردار از یک معنی اجتماعی از سوی دیگر افراد می‌شود. «اگر مفاهیم بخواهند از تجربه برخیزند و در مقابل تجربه، طلب مفهوم کنند، پس یک تاریخ مفاهیم تنها می‌تواند از کشف، شناسایی و ردگیری زمان‌ها و فضاها موجود در لایه‌های تاریخ جهانی سرچشمه گیرد» (Chignola, 2002: 216).

بنابراین مفاهیم معنای خود را از کاربردشان در زمینه‌های تاریخی می‌گیرند. یعنی برای مطالعه و درک مفاهیم، فراتر از معنای لغوی، شناخت زمینه‌های تاریخی مربوطه بسیار اهمیت دارد. «معنی و کاربست یک کلمه هرگز در رابطه‌ای یک به یک با واقعیت نیست و مفاهیم و واقعیت در حال تغییرند، به نحوی که گاه مفهومیت از واقعیت فراتر می‌رود و گاه واقعیت از مفهومیت. این غیرهم‌زمانی تلویحاً نشان می‌دهد که مفاهیمی هستند که فراتر از تجربه هستند و مفاهیمی هستند که در واقع تجربه را به وجود می‌آورند» (Muller, 2011: 83).

با این رویکرد، پژوهشگر در پژوهش خود، به‌ویژه وقتی با موضوعی سروکار دارد که حدودی از زمانمندی و تاریخیت را نیز در بردارد، میراث‌دار گذشته است. انسان تا زمانی که فکر می‌کند و سخن می‌گوید و مفاهیمی را در این سخن‌گویی به بیان درمی‌آورد، مبلغ میراث خود است؛ میراثی که وجود او را نمایندگی می‌کند. این میراث صرفاً امری انتزاعی نیست. وجه میراث‌گونه وجود آدمی به معنای حقانیت ارزشی آن هم نیست؛ زیرا افق ارزش‌ها رو به آینده دارد، نه به گذشته. انبوهی، پربودگی، سنگینی و گرانی بار تاریخ به هیچ‌رو توجیه‌گر حقانیت آن نیست. رویکرد تاریخ مفهومی، افقی را پیش روی پژوهشگر می‌گذارد که او را توانمند و زایا می‌سازد تا به آینده بنگرد. این رویکرد با هدف افق‌گشایی، فنونی را معرفی می‌کند. در ادامه به ابعاد فنی تاریخ مفهومی پرداخته می‌شود؛ یعنی شیوه‌هایی که طی آن پژوهشگر می‌تواند به درستی به تاریخ مراجعه کند، بی‌آنکه در بند تاریخ قرار گیرد.

مقوله‌های روشی در فهم و کاربست تاریخ مفهومی

مفهوم

مفاهیم در دیدگاه کوزلک «نه‌تنها نشان‌دهنده تجربه اجتماعی و تغییر هستند، بلکه در این تجربه‌ها و تغییرها ایفای نقش می‌کنند. هر مفهوم، افقی خاص برای تجربه بالقوه و نظریه‌ای ممکن ایجاد می‌کند» (Rönnerfalk, 2017: 41). مفهوم در محیطی مناسب که قرار می‌گیرد، به معناها، پویایی، تغییر، تولید و تکثیر می‌دهد. بدین ترتیب معناها، فرصت‌رهایی از سنت‌ها و باورهای تثبیت‌شده می‌یابند. مفهوم به مثابه وجود ذهنی شیء از طریق لفظ، مصداق و قالب معنایی موجود، در ساختمان ترکیبی آن فهمیده می‌شود. کوزلک در تاریخ مفهومی به توصیف انواع مفاهیم می‌پردازد. در نظر او، «مفهوم صرفاً نشانه و علامتی نیست که به گروه‌ها اطلاق می‌شود، بلکه عاملی تأثیرگذار بر شکل‌گیری گروه‌هاست» (Koselleck, 1985: 160). برای تبیین هرچه بیشتر نگاه کوزلک به مفهوم، به معرفی انواع مفهوم‌ها در ادبیات تاریخ مفهومی او می‌پردازیم.

«مفهوم پایه»، مفهومی است که معنای آن زیربنا و تعیین‌کننده چارچوب معنایی مفهوم‌های دیگر است. این مفهوم در رویکرد تاریخ مفهومی کوزلک از توان تحول،

سازندگی و تولید برخوردار است. برای مثال، وی «بحران را از مفاهیم پایه‌ای به حساب می‌آورد که مفاهیمی غیرقابل جایگزین هستند» (Rönnerfalk, 2017: 47). مفهوم پایه، مفهومی با لایه‌های معنایی متعدد است که در طول زمان با توجه به تجربه‌های مختلف شکل گرفته است و «یکی از معناهای رایجش، منطبق عمل‌کننده در پس سیر رویدادهاست. مفهوم‌های بنیادین عصر جدید در پویایی مداومند. این پویایی را می‌توان بازنمایاند» (نیکفر، ۱۳۸۸: ۱۰).

«پادمفهوم» را کوزلک، مفهومی در مقابل مفهوم دیگر می‌داند. پادمفهوم در واقع به مثابه عاملی برای خوانش مفهومی هستند که در طول تاریخ به نوعی تحت هژمونی ایدئولوژی‌های غالب حذف و یا به حاشیه رانده شده‌است. او بر این باور است که هر مفهوم در نظام اندیشگانی دارای پادمفاهیمی است که با غلبه بر آنها می‌تواند واجد معنایی خاص باشد و حضور خود در عرصه مفهومی اندیشه سیاسی را تثبیت کند» (جزایی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱). برای مثال و مرتبط با مبحث قلمرو اندیشه و کنش سیاسی، در مقابل مفهوم بحران، مفهوم «ثبات» جای می‌گیرد. هرچند خود مفهوم ثبات، مفهومی جدید است، معادل دقیق‌تر آن در سنت فکری و کنشی خودمان را می‌توان مفهوم «امنیت» دانست که خود را با مفاهیمی چون «حفظ کیان» یا «اساس اسلام» نمودار کرده است.

از آنجا که مفهوم در تاریخ، لایه‌لایه می‌شود و انباشت معنایی می‌یابد، پس مفهوم حامل زمان است. مفاهیم در گذر زمان با انباشت لایه‌های معنایی متناسب با بسترهای سیاسی-اجتماعی گاه کهنه و نو، فربه و گاهی نحیف می‌شوند. برای مثال، مفهوم خاصی مانند ایران در پایان دوره ساسانی، مفهومی چندلایه است. در خدای‌نامه‌ها، مثلاً انسان که در شاهنامه بازتاب یافته‌اند، ایران از یک لایه پیشاتاریخی و چندین لایه تاریخی معمولاً متناسب با تغییر دودمان حاکم تشکیل شده است. روی آن لایه‌ها، لایه «دو قرن سکوت» می‌نشیند و بعد لایه‌های دیگر بر هم سوار می‌شوند تا به عصر جدید می‌رسیم که مشخصه آن، ایران به مثابه سرزمینی ملی است. سرانجام انقلاب اسلامی از راه می‌رسد و روی ایران ملی، لعابی اسلامی می‌کشد» (نیکفر، ۱۳۸۸: ۷).

مفهوم تاریخی منعکس‌کننده معنایی مطابق با تجربه یک دوره زمانی است. مفاهیم

حامل زمان تاریخی هستند. در حقیقت معنای چنین مفهومی، تاریخ آن مفهوم است. «شناخت اندیشه یک اندیشمند در دوره‌ای از تاریخ، مستلزم خیلی چیزهاست. متفکر در یک چارچوب زمانی معین، در مواجهه با مسائلی معین و با زبان و شیوه گفتنی که در آن زمان کاملاً شفاف بوده، متنی نوشته است؛ اما هر جمله و هر واژه از آن می‌تواند در زمان خودش برای مخاطب معنایی داشته باشد که برای ما معنای متفاوتی دارد، البته نه به معنای مطلق» (منوچهری، ۱۳۹۰: ۲۲۲). با توجه به تجربه‌های متفاوت هر دوره شاهد حضور مفهوم‌های تاریخی چندپهلوی یا به عبارتی معناهای متفاوت هستیم. «اندیشه تاریخ مفهومی اخیراً توانسته فراتر از دانشنامه‌ای که بر گرده آن استوار است، قدمی به جلو بردارد. این تحول و فراروی به‌ویژه در کشور اسکاندیناوی و در کارهای تاریخ‌نگارانی چون بواسترات، هنریک سیدنیوس و کاری پالونن قابل مشاهده است» (آندرسن، ۱۳۹۴: ۲). با توجه به زمانیت و تاریخی بودن مفاهیم و تحولاتی که از سر می‌گذرانند و ایجاد می‌کنند، می‌توان از دو دسته مفاهیم محوری و مفاهیم حاشیه‌ای نیز سخن گفت. مفهوم برای استمرار خود «نیازمند ثبات در محوریت مفهوم است. مفهوم حاشیه‌ای برای توصیف مختصات زمینه‌ای خاصی است و اگر محوریت مفهومی تغییر کرد، یعنی آن مفهوم با مفهومی دیگر جایگزین شده است» (Kuukkanen, 2008: 1).

مفهوم و واژه

کوزلک در بررسی نظام‌های تاریخی، میان مفهوم و واژه تفاوت قائل است. برای او مفهوم، یک اصطلاح و واژه، یک لغت است. او معتقد است که در تاریخ واژگان بیشتر تداوم وجود دارد، در حالی که در تاریخ مفهوم، بیشتر شاهد گسست هستیم. هر مفهوم به یک کلمه متناظر اشاره دارد، در حالیکه آن کلمه نمی‌تواند یک مفهوم باشد، زیرا «مفاهیم سیاسی و اجتماعی داعیه عمومیت دارند و همواره معانی متعددی به آنها تعلق می‌گیرد» (Koselleck, 1985: 418).

مفاهیم برای حضورشان نیازمند کلمه‌ها هستند و با کلمات به امور واقع اشاره دارند. کلمات در کاربردشان، ابهام معنایی ندارند. معنای یک کلمه قابل تعریف است، در حالیکه مفهوم را تنها می‌توان تفسیر کرد. به باور کوزلک، تجمع معانی سیاسی و اجتماعی در یک کلمه، آن را تبدیل به یک مفهوم می‌سازد. این انباشتگی از معنا موجب

حضور ابهام در کلمه می‌شود. در واقع با همین ابهام است که مفاهیم، قدرت و توان نفوذ به آینده می‌یابند. مفاهیم همچنین «با افزودن معنا به واقعیت به درون واقعیت نفوذ می‌کنند. هر دو ویژگی مفهوم (کیفیت سیال و سازنده مفهوم)، شرایطی را مهیا می‌کنند که جدال معنایی در آن می‌تواند شکل بگیرد» (آندرسن، ۱۳۹۴: ۵). کار پژوهشگر در سنت تاریخ مفهومی فراتر از جست‌وجو برای کشف تاریخ محدود یک واژه و ریشه است. در این روش او با کاویدن لایه‌های معنایی مفاهیم که در زمان‌های مختلف شکل گرفته‌اند، به یافته‌هایی نو در قالب صورت‌های معنایی تازه دست می‌یابد. این یافته‌ها بیانگر تغییرات تاریخی گسترده‌ای است که بر روابط سیاسی - اجتماعی تأثیرگذار بوده‌اند.

زمان و تاریخ

کوزلک در رویکرد تاریخی خود به تحول مفهوم، به اهمیت بستر زمان و شرایط اجتماعی - سیاسی و ضرورت رجوع مداوم به تاریخ اجتماعی می‌پردازد. در دیدگاه او، مفاهیم بخشی از جهان هستند و جهان با مفاهیم در حال تغییر است. مفاهیم، معنای خود را از زمینه‌های تاریخی‌شان به دست می‌آورند. یعنی به لحاظ روش‌شناسی، لازم است برای کسب معنای مفاهیم نه تنها به معانی لغوی، بلکه به چگونگی کاربرد آنها توجه کرد، زیرا «هر فرد و جامعه انسانی از یکسو بر پایه فضایی از تجربه موضوعات گذشته به کنشگری می‌پردازد و از سویی دیگر همیشه این کنشگری با ارجاع به افق‌های تجربه صورت می‌پذیرد» (Rönnerfalk, 2017: 67).

تاریخ در نگاه کوزلک، مجموعه‌ای از تداوم‌ها و شکاف‌هاست. او با تأکید بر ضرورت وجود دانشی با عنوان دانش تاریخ به مثابه یک فعالیت علمی مستقل و تقلیل‌ناپذیر به دیگر رشته‌های علوم انسانی، بر این باور است که علوم انسانی برای ژرفاندیشی نیازمند تاریخ است. برای کوزلک آنچه در تاریخ بیش از موضوع اهمیت دارد، روش آن است؛ زیرا معتقد است که این روش تاریخ است که می‌تواند آن را به یک دانش تبدیل سازد. در نگاه کوزلک، متن‌های نوشته‌شده از گذشته تا به حال در هر یک از قالب‌های نوشتاری و به‌جامانده، گواه همه تاریخ نیستند. تاریخ بسیار فراتر و وسیع‌تر از این متن‌هاست. این متن‌های به‌جامانده تنها متعلق به آن دسته از افرادی است که به هردلیلی، فرصت و امکان نوشتن داشته‌اند. پاره‌ای از متن‌ها به لحاظ نداشتن صراحت بیان، معنایی پوشیده

و پنهان دارند که نیازمند تفسیر است. به همین دلیل «نوشتن تاریخ مفهوم‌ها خود فعالیتی روشنگرانه است. لایه‌های تاریخی^۱ مفهوم‌ها تشخیص داده می‌شوند، با تشخیص دادنشان برچیده می‌شوند، مفهوم روشن می‌شود، فهم آزاد می‌گردد. آزادی فهم، انگیزه نوشتن تاریخ مفهوم‌هاست» (نیکفر، ۱۳۸۸: ۱۰).

زمان تاریخی^۲ و زمان تقویمی

کوزلک میان زمان تقویمی و زمان تاریخی تمایز قائل است. «آنچه تاریخ مفهومی را تاریخ می‌سازد و یا آن را ممکن می‌سازد، چیزی است که کوزلک آن را نظریه زمانه‌های تاریخی می‌نامد» (Muller, 2011: 84). او زمان تاریخی را مجموعه‌ای متنوع از زمان‌های متفاوت و چندلایه می‌داند که به تجربه درآمده است. زمان در اندیشه وی به مثابه یک مفهوم بنیادی با زمان تقویمی متفاوت است. «کوزلک در نظریه زمان‌های تاریخی، پیش‌شرطی برای تاریخ مفهومی می‌بیند» (Palonen, 1997: 56). او «زمان را نه مانند یونانیان، دوری می‌دید و نه مانند مسیحیان و یهودیان، خطی؛ بلکه ملهم از هر در باور داشت هر پدیده‌ای، مقیاس زمانی خودش را درون خود حمل می‌کند و هر توالی تاریخی هم واجد عناصری خطی و هم دوری است و رسوبات زمان یعنی نتایج تجربه» (حسن‌دخت و دیگران، ۱۳۹۹: ۸۵).

ایده کوزلک «درباره زمان‌های تاریخی را می‌توان در قالب تکثر دوره‌های تاریخی در توالی ترتیب زمانی دریافت. نظریه کوزلک درباره زمان‌های تاریخی در واقعیت همان نظریه دوره‌بندی است» (Jordheim, 2012: 1)؛ مشخصه‌ای که ویژگی‌های موقتی مفاهیم سیاسی اجتماعی را به منظور نظم بخشیدن به منابع اصلی تنظیم می‌کند تا فراتر از تاریخ‌نگاری واژگان به تاریخ مفهومی دست یابد. او دوره‌بندی تاریخ را از مشخصه‌های تاریخ‌نگاری غیرسنّتی و روایی و مورد نیاز تاریخ مفهومی می‌داند.

کوزلک ضمن آگاهی از تفاوت میان دو برداشت یونان باستانی از زمان یعنی کرونوس^۳ که بیانگر مفهوم اساسی زمان در قالب اندازه، کمیت، ترتیب، استمرار و دوره

1. historical layers
2. historical time
3. chronos

تناوب است و کایروس^۱ به مثابه مفهومی غیر تقویمی، موقعیتی که نشان‌دهنده زمان فرصت یا زمان صحیح، سنجش درست و رویکردی کیفی است، به اهمیت آنها^(۱) در تفسیر معنای زمانی بحران در تاریخ مفهومی آن اشاره دارد که با زمان تقویمی متفاوت است. در همین راستا او در تفسیر مفهوم بحران به بررسی ریشه یونانی کریسس^۲ می‌پردازد که «به لحظه درست و مشخصی اشاره دارد که در آن برای رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب، کنشگر می‌باید تصمیمی به‌هنگام اتخاذ کند» (Ramalho, 2021: 127). لحظه و زمانی غیر تقویمی و حساس در تصمیم‌گیری و انتخاب برای دریافت نتیجه مناسب است.

زمان و زبان

زمان و زبان بر هم اثر می‌گذارند و یکی قابل تقلیل به دیگری نیست. هر واژه یک دوره حیات و ویژگی‌های حیاتی دارد و مجهز به ساختار زمانی درونی^۳ است. کوزلک با نگاه تازه به مقوله‌های زبان و زمان و چگونگی تعاملشان، افقی نو در مطالعات تاریخی و زبان‌شناسی گشود. هایدگر و گادامر، زبان را حاوی همه تجربه‌های ممکن انسانی می‌دانند. در همین رابطه «مفاهیم میانجی‌گر رابطه میان زبان فضای اجتماعی و تجربه فضای اجتماعی هستند» (Rönnerrfalk, 2017: 90).

فضای تجربه و افق انتظارات

در دیدگاه کوزلک، «فضای تجربه و افق انتظار، دو مقوله تاریخی‌اند: فضای تجربه، گذشته حال^۴ است که می‌توان وقایع آن را به یاد آورد و تجربه کرد و افق انتظارات، آینده حال^۵ است که در امروز نیز رخ می‌دهد» (Rönnerrfalk, 2017: 47). بر این اساس این دو مقوله صورتی متشکل از حال گذشته و حال آینده هستند. کوزلک به ظرافت دریافت که آنها مکمل یکدیگرند و دائماً در حال تغییرند و در استمرار چنین تغییری است که زمان تاریخی صورت‌بندی می‌شود. «افق انتظار» رو به آینده است و با تجربه در رابطه‌ای

1. kairos
 2. krisis
 3. Inner
 4. present past
 5. present future
 6. historical time

دیالکتیکی قرار می‌گیرند که با توجه به بافت‌های تاریخی این رابطه تغییر می‌کند» (آعاجری، ۱۳۹۳: ۲). برای کوزلک، لحظه^۱ حال^۱ نقطه مواجهه فضای تجربه و افق انتظار است. «افق، خطی است که در پس آن، فضایی از یک تجربه جدید گشوده می‌شود که هنوز قابل رؤیت نیست. افق همیشه با موقعیت شما در حال حرکت است. در حالی که فضا همان موقعیت شما را شکل می‌دهد که معرف ماهیت افق انتظار شماست که چندلایه و کامل است و صورتی از حال بدون ترتیب زمانی می‌باشد» (همان).

لایه‌های زمانی و رسوبات زمان

کوزلک برای اشاره به زمان‌های مختلف، گاه از اصطلاح لایه‌های زمانی و گاهی هم از اصطلاح رسوبات زمان استفاده می‌کند که می‌توانند به طور همزمان ظاهر شوند و همزمانی ناهمزمان‌ها را رقم زده، اثرگذار باشند. وی در تاریخ مفهوم‌ها با بررسی نقادانه لایه‌های زمانی مفهوم‌ها به تشخیص لایه‌های ایدئولوژیکی آنها می‌پردازد. در این حالت، تاریخ مفاهیم می‌تواند نوعی نقد زبان باشد؛ زیرا «می‌تواند لایه‌های معنایی مفهوم‌های بنیادین را آشکار سازد و از این راه، آنها را بهتر در معرض نقد ایدئولوژیک قرار دهد. آشکار کردن لایه‌های معنایی معمولاً آشکارسازی لایه‌های زمانی مفهوم‌هاست» (نیکفر، ۱۳۸۸: ۲۰).

به این ترتیب تاریخ مفاهیم با پرداختن نقادانه به لایه‌های زمانی مفاهیم به افزایش آگاهی ما از تاریخ آنها کمک می‌کند. این آگاهی به نوبه خود می‌تواند رویکرد نقادانه ما را عمیق‌تر و پربارتر کرده، بیش از پیش ما را متوجه تغییر و تحول معنایی مفاهیم در برابر رویدادهای تاریخی گفتاری و کرداری نماید. چنین رویکرد نقادانه‌ای همچنین می‌تواند متوجه واژه‌های به ترجمه درآمده از زبان مبدأ به زبان مقصد و متن مفهومی آنها نیز باشد، آنها را با طرح این پرسش که آیا به تاریخت آنها پرداخته شده است یا نه.

همزمانی ناهمزمانی‌ها

تاریخ مفهومی کوزلک، از دو نوع روش تحلیلی درزمانی و همزمانی استفاده می‌کند. «تحلیل درزمانی به بررسی خاستگاه و تحولات مفاهیم منفرد می‌پردازد و معنای مفهوم را تعیین می‌کند. تحلیل همزمانی دربردارنده تحلیل میدان معنایی^۲ است که مفاهیم در

1. the present
2. Semantic field

آن پدیدار می‌شوند و با دیگر مفاهیم در ارتباط قرار می‌گیرند. در تحلیل همزمانی همواره به مفاهیمی چون میدان معنایی، ساختار معنایی و پادمفاهیم ارجاع داده می‌شود» (آندرسن، ۱۳۹۴: ۳). متن با فاصله گرفتن از معنای آغازین خود رو به تحریف می‌آورد. در این حالت بهتر است با بازشناختن لایه‌های تاریخی مفهوم‌ها، رویکردی مراقبتی به متن داشت؛ زیرا معنای آغازین معمولاً از توان لازم برای نهفتن به گونه‌ای موقتی برخوردار است تا در زمان و شرایط مورد نیاز «همچون توده مذاب اعمالق زمین سرباز کند و آتش بیفشاند» (نیکفر، ۱۳۸۸: ۷) و با مفهوم رایج درهم آمیزد. این صورت از آمیزش را که دربردارنده مجموعه‌ای از لایه‌های زمانی مختلف است، راینهارت کوزلک «با استفاده از اصطلاحی از ارنست بلوخ، «همزمانی ناهمزمان‌ها» می‌نامند» (همان). اهمیت تحلیل همزمانی و درزمانی به گونه‌ای است که تحلیل تاریخی مفهوم باید دائماً میان آنها «در رفت و آمد باشد تا نه تبدیل به تاریخ کلماتی بی‌ثمر و عقیم بشود و نه رنگ و بوی تاریخ اجتماعی مفاهیم را به خود بگیرد» (آندرسن، ۱۳۹۴: ۲). تحلیل تاریخی مفهوم همچنین «باید آشکار کند که چه انتظارات و تجربه‌هایی در یک زمان حاکم هستند. همچنین باید تنش‌ها و روابط بین انتظارات و تجربه‌ها را نیز واکاوی نماید، که این مسئله امری تاریخی است و نیازمند تحلیل معناشناختی است.» (Koselleck, 1985: 275)

مفاهیم پایه در فهم کنش و نظریه سیاسی

اکنون این پرسش پدیدار می‌شود که اگر چنین روش و رویکردی به کار می‌آید تا کنش و نظریه سیاسی را فهم و ادراک کنیم، مفاهیم پایه‌ای عرصه نظری و کنشگری سیاسی کدام هستند تا بتوان با رویکرد تاریخ مفهومی به تفسیری از آنها دست یافت که متناسب با موقعیت جهان‌شمول انسان بوده، بتوانند در ساختن وضعیت مطلوب مؤثر باشند؟

با توجه به گرایش‌های اخیر در تبیین کیفی جایگاه اندیشه و علوم سیاسی از طریق پرداختن به یک جامعه بسامان، می‌توان چنین برنمود که مهم‌ترین مفهوم در تاریخ انسان که انواع جامعه‌های بسامان و نابسامان را باعث شده است، مفهوم رابطه است. اما مفهوم رابطه، خود یک ابرمفهوم است که باید در بررسی تاریخ مفهومی، آن را به مفاهیم

خُرد تجزیه کرد. از آنجا که رابطه‌های انسانی، آنگاه که به سمت و سوی نوعی جامعه نابسامان میل می‌کنند، مستعد دور شدن از خیرات عمومی، و در مقابل مستعد نزدیک شدن به شرارت‌ها هستند، می‌توان ابرمفهوم رابطه را ذیل مفهوم خردتر شرارت، به شیوه تاریخ مفهومی، به بحث گذاشت.

از این نظر شرارت، استعداد رابطه‌های ما در موقعیت است. ما در موقعیت‌های تنی، اجتماعی و جهانی خود مستعد انواع شرارت‌ها هستیم. انسان، موجودی است محاط در تنگنای ربط و رابطه که حرکت می‌کند، رشد می‌کند، می‌خورد، می‌خوابد، می‌کارد، کار می‌کند، راه می‌رود، حرف می‌زند، برنامه می‌ریزد، آزادی را تجربه می‌کند، شادی را می‌آفریند و در کنار همه اینها، استعداد مردن و کشتن و کشته شدن را دارد. موضوع کمبود نیز به استعداد شرارت و فعلیت‌بخشی به آن دامن می‌زند. انسان در موقعیت، با انواع شرارت‌ها دست و پنجه نرم می‌کند: با جنگ، نابرابری، شکنجه، برده‌گیری، استبداد، تجاوز، قتل، شلاق‌زدن، مثله کردن، قطع عضو، کر و لال و کور کردن، به‌میخ و صلابه و دار کشیدن، دریدن شکم، نفی بلد (تبعید)، کار کودکان، گرسنگی، به دنیا آمدن‌های ناخواسته، ناعادلانه بودن قوانین، نقض قوانین، عدم رابطهٔ مسئولانه با جهان، شکستن استخوان‌ها زیر سم اسب و چرخ ارابه، بی‌خانمانی، آوارگی، مهاجرت اجباری، زنده سوزانده شدن، سیل، نفی مذهب (تکفیر)، نگاه متجاوزانه، سلب حقوق، نابرابری در برابر قانون، بیکاری، زلزله، نفی کرامت (تحقیر)، فقر، تجاوز به طبیعت، ایجاد درد، رنج، غم، افسردگی، تصادف، کار اجباری، کشتن حیوانات، تجاوز به حریم خصوصی و انواع بیماری‌های جسمی و روحی چون جهل، توهم، انزلام. نه‌تنها جامعه و روابط اجتماعی، بلکه روابط تنی و طبیعی ما ترکیبی از ستیز و سازش مداوم است. اینها مفاهیم پایه در بررسی و ساخت جامعه انسانی بسامان برحسب رویکرد تاریخ مفهومی است. مسئله مهم این است که تاریخ انسان به نحو مشترک، همه این شرارت‌ها را تجربه کرده است.

با توجه به فهرست بالا می‌توان مفاهیم پایه‌ای امر سیاسی (در معنای پیگیری و تداوم ساخت یک جامعه انسانی) برای بررسی با رویکرد تاریخ مفهومی را به شرح زیر خلاصه و معرفی کرد. نخست، شرارت‌های فعلی شامل: «بهره‌کشی، خشونت، تبعیض و تخریب محیط‌زیست که به هم تقلیل‌پذیر نیستند و این خود برهانی قاطع است در این

باب که در جامعه‌های انسانی نمی‌توان به دنبال مسئله مسئله‌ها و علت‌العلل گشت، مگر اینکه ذهنمان را متوجه خود انسان کنیم. مسئله مسئله‌ها و علت‌العلل خود انسان است... آنها ورای مسائل زمانه، مسائلی هستند که پایدارند و... پشت سر همه مشکلات سیاسی و اجتماعی مطرح می‌شوند» (نیکفر، ۱۳۹۶: ۲). دوم، شرارت‌های انفعالی شامل جهل، تقلید، ترس، تقدیر، انزوا، تقیه، کتمان، ریاکاری، توهم، فریب، نشئگی، تنبلی، صبوری، سرسپردگی، انضام و... و انواع سکوت‌های متبخرانه و متوهمانه و شیادانه. این مفاهیم در مرکز هرگونه بررسی تاریخ مفهومی در قلمرو نظر و کنش سیاسی است.

نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش این نوشتار و اثبات فرضیه آن، به معرفی نظریه و روش تاریخ مفهومی با روش توصیفی-تحلیلی پرداخته شد. در همین راستا چیستی آن به عنوان نظریه و روشی برای رسیدن به فهمی نو از مفاهیم، تحلیل و توصیف شد. همچنین عنوان شد که این نظریه و روش با نقد تاریخ‌نگاری سنتی و تمرکز بر رویکردی نو در تاریخ‌نگاری مفاهیم قصد دارد تا با اتخاذ رویکردی انتقادی، متفاوت و فراتر از گذشته‌نگاری به نقد زبان، برای بازنمایی لایه‌های ایدئولوژیک مفهوم‌ها که در گذر زمان و متناسب با بسترهای سیاسی-اجتماعی انباشته و رسوب شده‌اند، بپردازد. این نوشتار نشان داد که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از این رویکرد، به کشف لایه‌های معنایی متناسب با زمان بر مفاهیم پرداخت و متوجه لایه‌های برهم انباشته شده پیشاتاریخی، تاریخی و عصر جدید در مفاهیم گردید.

با توجه به همه ویژگی‌های انتقادی، مفاهیم و نظام‌های مقوله‌ای، تاریخ مفهومی می‌تواند از اهمیت خاص و قابل تأملی برای نشان دادن رابطه نسبت مفاهیم در مقام محصولات نظری، ذهنی و زبانی به طور کلی و اندیشه سیاسی به طور خاص با مناسبات در مقام عینی، کنشی و تعاملی به طور کلی و کنشگری سیاسی به طور خاص برخوردار باشد. تاریخ مفهومی همچنین می‌تواند به قصد ایجاد تعادل در ترجمه، از مفاهیم و مناسبات عینی‌شان در معادل‌یابی‌های ترجمه‌ای از زبان مبدأ به زبان مقصد، مراقبت نماید.

پی‌نوشت

۱. کرونوس و کایروس، دو الهه در اسطوره‌شناسی یونان هستند. کرونوس، جوان‌ترین پسر گایا (زمین) و اورانوس (آسمان) است که زمان مطلق را نمایندگی می‌کند و کایروس، جوان‌ترین پسر زئوس و تیکا (بخت و اقبال) است که زمان درست و صحیح را نشان می‌دهد (Ramalho, 2021: 118).



منابع

- آغاچری، هاشم (۱۳۹۳) راینهارت کوزلک؛ تاریخ‌نگار اندیشه، سخنرانی در همایش تاریخ و علوم سیاسی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، مرکز پژوهش‌های ایرانی اسلامی.
- آندرسن، ن. آ (۱۳۹۴) درباره تاریخ مفاهیم راینهارت کوزلک، برگرفته از کتاب «نظریه و واقعیت»، ترجمه آرش حیدری و دیگران، تهران، تیسرا.
- جزایی، محدثه و دیگران (۱۳۹۹) تاریخ مفاهیم، آشکارسازی نزاع‌های ایدئولوژیک در تاریخ و فهم معنای نوین، گیلان، سامانه مدیریت نشریات علمی دانشگاه گیلان.
- حسن‌دخت فیروز، سیما و دیگران (۱۳۹۹) «الگوی برای بررسی مفاهیم کلیدی سیاسی اجتماعی در تاریخ ایران معاصر؛ مسئله روش»، تهران، تاریخ ایران، دوره سیزدهم، شماره ۱، صص ۷۷-۹۹.
- فوکو، میشل (۱۳۹۲ الف) دیرینه‌شناسی دانش، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، تهران، نشر نی.
- (۱۳۹۲ ب) در باب تاریخ اندیشه، ترجمه محسن حسنی، تهران، جاوید.
- عبداللهی، یحیی (۱۳۹۰) تاملی نوع در مفهوم تاریخ، ماهنامه سوره، شماره ۲، صص ۵۴-۵۵.
- منوچهری، عباس (۱۳۹۰) «تاریخ‌نگاری اندیشه و نسبت آن با فلسفه تاریخ برای تغییر در معیشت»، تهران، ماهنامه سوره، شماره ۲، صص ۲۲۰-۲۲۲.
- نیکفر، محمدرضا (۱۳۸۸) «تاریخ مفهوما»، رادیو زمانه.
- (۱۳۹۶) مسئله ایران: در نقد ایدئولوژی ایرانی، رادیو زمانه.
- هسینگ، آندرس (۱۳۹۵) تاریخ مفهومی چیست؟، ترجمه پژمان رنجبر، تهران، صدای اندیشه.

- Chignola, Sandro (2002) History of Political Thought and the History of Political Concepts, Koselleck's Proposal and Italian Research", History of Political Thought, Vol. 23, N0. 3.
- Goldman, Harvey (1994) From Social Theory to Sociology of Knowledge and Back: Karl Mannheim and the Sociology of Intellectual Knowledge Production, American Sociological Association, Vol. 12, No. 3. .
- Jordheim, Helge (2012) Against Periodization: Koselleck's theory of multiple temporalities, Wiley online library.
- Koselleck, Reinhart (1985) Linguistic Change and History of Events, Journal of Modern history, No. 61.
- (2002) the Practice of Conceptual History, Timing History, Spacing Concepts, California Stanford University Press.
- Kuukkanen, Jouni-Matti (2008) History and Theory, Making sense of conceptual change, Wesleyan University.
- Muller, Jan-Werner (2011) on conceptual history, Journal of contemporary history, Volume: 46 issue: 3.
- Palonen, Kari (1997) an Application of Conceptual History to Itself, From Method to Theory in Reinhart Koselleck's "Begriffsgeschichte". Finnish Yearbook of

Political Thought, Jyväskylä, Finland: SoPhi.

Ramalho, Walderes (2021) Reinterpreting the “times of crisis” based on the asymmetry between chronos and kairos, International Journal of Theory and History of Historiography, Ouro Preto, v. 14, n. 35.

Rönnerfalk, Niklas (2017) Concept, Space, Home: A Conceptual History of Social Space, Lund University, Master’s thesis, Department of Arts and Cultural Sciences, Division of History of Ideas and Sciences.

